

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و دوم

زمستان ۱۴۰۱

نقش حدیث افتراق در شکل‌گیری فرقه‌نگاری اسلامی تا قرن پنجم هجری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۳۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۲/۱۲

قاسم خانجانی^۱

برخی از فرقه‌نگاران برای معرفی و بررسی فرقه‌های مسلمان، حدیث افتراق را مبنای نگارش قرار داده‌اند و به دنبال اثبات هفتاد و سه فرقه اسلامی مطابق با حدیث افتراق بوده‌اند. اما برخی دیگر هیچ توجهی به حدیث افتراق نداشته و علت انشعاب فرقه‌ها را در اختلاف عقاید و مبانی دینی آن‌ها جست‌وجو کرده‌اند. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا این حدیث در شکل‌گیری فرقه‌نگاری اسلامی نقش داشته است؟ بدین منظور، نوشته حاضر با گزینش و واکاوی دو کتاب اوائل المقالات از شیخ مفید (د. ۱۳۰۴ق) و بیان الادیان از ابوالمعالی محمد حسینی علوی (د. ۱۸۵۰ق) نشان داده است که منابعی همچون بیان الادیان متأثر از این حدیث و بر پایه آن تدوین شده‌اند و در منابعی مانند اوائل المقالات معیارهای دیگری مد نظر بوده و به این حدیث توجهی نشده است.

کلیدواژگان: فرقه‌نگاری، حدیث افتراق، فرقه‌های اسلامی، اوائل المقالات،

بیان الادیان.

۱. استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته تاریخ اسلام: (khanjani1342@yahoo.com).

مقدمه

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، امت اسلامی دچار اختلاف عقیده شد و فرقه‌های مختلف به وجود آمد. با توجه به آن که خبری مشهور به «حدیث افتراق» منسوب به رسول خدا ﷺ نقل شده بود، به مرور زمان، هم به وسیله مؤلفان شیعه و هم در میان اهل سنت کتاب‌های بسیاری برای شناخت فرقه‌های اسلامی نگاشته شد که هر یک به تناسب نوع نگاه و تفاوت ذوق و سلیقه مؤلف آن، دارای تمایزهایی هستند. البته برخی از این آثار در طول زمان از میان رفته‌اند و فقط شماری از این آثار باقی مانده‌اند. در نوشته‌های جدید نیز کتاب، پایان‌نامه و مقالات متعددی درباره فرقه‌های اسلامی و مباحث مربوط به آن و به ویژه درباره حدیث افتراق سامان یافته است. برخی از مقالات در این زمینه از این قرارند: «واکاوی حدیث افتراق در اندیشه وهابیت» از میثم اورنگی؛ «کثرت‌گرایی نجات و مشکل حدیث فرقه ناحیه» از قدرت‌الله قربانی؛ «حدیث افتراق امت، نقل‌ها و پیامدها» از علی آقانوری؛ مدخل «حدیث افتراق» از علی آقانوری؛ «حدیث فرقه ناحیه» از حسین صابری و «بررسی و نقد حدیث فرقه ناحیه» از محمد بقایی‌یمین. بنا بر این، مباحث مربوط به فرقه‌نگاری پیشینه قابل توجهی دارد اما تفاوت این مقاله با نوشته‌های موجود در جزئی‌نگری و تمرکز بر نقش حدیث افتراق در فرقه‌نگاری است که در نوشته‌های دیگر به طور مستقل بدان پرداخته نشده است. در این مقاله مسأله این است که حدیث افتراق به چه میزان در تدوین آثار فرقه‌نگاری نقش داشته است و آیا فرقه‌نگاران برای تدوین آثار خود روش یکسانی داشته‌اند؟ با بررسی این آثار به دست می‌آید که فرقه‌نگاران برای معرفی فرقه‌ها سبک یکسانی نداشته‌اند و باید آن‌ها را دو دسته دانست.

دسته نخست که برای معرفی و بررسی فرقه‌ها به دنبال اثبات ۷۳ فرقه اسلامی مطابق با حدیث افتراق بوده‌اند و به طور معمول تطبیق تعداد فرقه‌ها بر حدیث افتراق را در اولویت قرار داده‌اند. بر همین اساس، برخی از این آثار، علاوه بر تطبیق تعداد فرقه‌ها

بر حدیث افتراق، به شکلی گذرا به بیان عقاید، علت انشعاب، تاریخچه، سیر تطور تاریخی و سرانجام این فرقه‌ها نیز پرداخته‌اند. هر چند این آثار اطلاعاتی بیشتر از شمارش فرقه‌ها به دست داده‌اند، آن چه برای آن‌ها مهم است نتیجه‌گیری بر اساس حدیث افتراق است. از همین رو تمام تلاش خود را صرف معرفی همان ۷۳ فرقه کرده‌اند. البته در برخی از این آثار علاوه بر نتیجه‌گیری یاد شده، معرفی فرقه ناجیه (گروه رستگار) از میان ۷۳ فرقه نیز مورد توجه قرار گرفته است. و بدیهی است که هر نویسنده‌ای به فراخور طرز فکر و نوع نگاه و مطابق عقاید خود، فرقه ناجیه را معرفی کرده است و در این باره نتایج یکسانی به دست نداده‌اند.

دسته دوم، گروهی هستند که بر خلاف گروه نخست، توجهی به حدیث افتراق نداشته و اختلاف در برخی عقاید و مبانی دینی را علت انشعاب این فرقه‌ها دانسته‌اند. برخی از این آثار با واکاوی مبانی اعتقادی و منشأ اختلاف عقیده فرقه‌های اسلامی به بررسی حقانیت یا عدم حقانیت این فرقه‌ها پرداخته و از این طریق فرقه ناجیه را معرفی کرده‌اند. چون این گروه به دنبال اثبات ۷۳ فرقه نیستند ممکن است در شمارش فرقه‌ها به تعدادی کمتر یا بیشتر از ۷۳ فرقه پرداخته باشند و البته ممکن است آنان نیز اتفاقاً به همان ۷۳ فرقه رسیده باشند اما آن چه مهم است این که در نگاه آنان معیار معرفی و بیان علت انشعاب فرقه‌ها حدیث افتراق نیست.

با توجه به آن که برخی از مهم‌ترین آثار فرقه‌نگاری تا قرن پنجم شکل گرفته‌اند، در نوشته حاضر با اشاره به سبک فرقه‌نگاران نخستین در معرفی فرقه‌ها و تفاوت نگاه آنان به حدیث افتراق، به عنوان نمونه، دو اثر کاملاً متفاوت از فرقه‌نگاران قرن پنجم مورد بررسی قرار گرفته است: کتاب *اوائل المقالات* از شیخ مفید (د. ۴۱۳ق) و *بیان الادیان* از ابوالمعالی محمد حسینی علوی (د. ۴۸۵ق). بررسی این دو کتاب نشان می‌دهد که مهم‌ترین وجه تمایز اثر شیخ مفید، پرداختن به موضوع امامت و برخی از عقاید شیعه و همچنین اشاره به اختلاف عقاید برخی از فرقه‌های اهل سنت با شیعه و نیز اختلاف عقاید برخی از

فرقه‌های شیعه است. شیخ مفید با دلایل مختلف بر حقانیت شیعه امامیه تأکید کرده و در برخی موارد به منشأ اختلاف عقاید فرقه‌ها نیز پرداخته است. ابوالمعالی بر خلاف شیخ مفید بدون پرداختن تفصیلی به عقاید فرقه‌ها، با محور قرار دادن حدیث افتراق، به تقسیم‌بندی فرقه‌ها پرداخته است و با اشاره به انشعابات مختلف، از این فرقه‌ها و در برخی موارد به اختصار از عقاید آن‌ها سخن می‌گوید. ابوالمعالی پیش از پرداختن به فرقه‌های اسلامی، به اقتضای هدفش که شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی است، به ادیان و مذاهب مختلف پیش از اسلام و پاره‌ای از فرقه‌ها یا گروه‌های بعد از اسلام نیز پرداخته است.

حدیث افتراق

حدیث افتراق، حدیثی مشهور و منسوب به رسول خدا ﷺ است که در برخی از کتاب‌های حدیثی شیعه^۱ و اهل سنت^۲ گزارش شده اما در کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه و در مهم‌ترین کتب حدیثی اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم نیامده است؛ از این رو درباره پذیرش یا عدم پذیرش آن اختلاف نظر جدی وجود دارد. طبق این حدیث که با عبارتهای مختلفی نقل شده، رسول خدا ﷺ انشعاب یهودیان را به ۷۱ فرقه و مسیحیان را به ۷۲ فرقه و امت اسلامی را به ۷۳ فرقه و تنها یک فرقه را اهل نجات دانسته است. اختلاف در عبارت و عدم تعیین مصداق مشخص برای فرقه نجات یافته، سبب شده است هر فرقه‌ای خود را اهل نجات و دیگران را گمراه بدانند. این اختلاف، در آثار فرقه‌نگاری نیز راه یافته است به گونه‌ای که برخی همچون عبدالقاهر بغدادی (د. ۴۲۹ق) در کتاب *الفرق بین الفرق* و ابوالمعالی محمد حسینی

۱. برای نمونه، رک: صدوق، *الخصال*، ص ۵۸۴؛ قاضی نعمان، *شرح الاخبار*، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. برای نمونه، رک: ابن حنبل، *مسند*، ج ۳، ص ۵۶۹؛ طبرانی، *المعجم الکبیر*، ج ۸، ص ۲۷۳.

علوی (زنده به سال ۴۸۵ق) در بیان *الادیان* همین حدیث را مبنای کتاب خود قرار داده و به دنبال اثبات تعداد این فرقه‌ها برآمده‌اند. اما برخی دیگر، به ویژه فرقه‌نگاران نخستین همچون نوبختی (د. ۳۱۰ق) در *فرق الشیعه* و ابوالحسن اشعری (د. ۳۲۴ق) در *مقالات الاسلامیین* به این حدیث اشاره نکرده‌اند. گذشته از این که از نظر برخی چون ابن حزم (د. ۴۵۶ق) این حدیث به لحاظ سند درست نیست و حتی برای کسی هم که خبر واحد را حجت می‌داند، حجیت ندارد چه رسد به کسی که خبر واحد را حجت نمی‌داند.^۱ برخی دیگر نیز این حدیث را دارای اضافه‌های ساختگی دانسته‌اند.^۲ با این حال برخی دیگر آن را در حدی دانسته‌اند که حجیت داشته باشد و بلکه متواتر شمرده‌اند.^۳

درباره درستی یا نادرستی حدیث افتراق، اسناد و رجال این حدیث، مفهوم و مصادیق این فرقه‌ها و دیگر مباحث مربوط به آن، نوشته‌های متعددی در قالب پایان‌نامه و مقاله سامان یافته است^۴ و مقاله حاضر به هیچ وجه در صدد بررسی یا رد یا اثبات این حدیث نیست و فقط به این می‌پردازد که آیا این حدیث در آثار فرقه‌نگاری، مبنا قرار گرفته است یا توجهی به آن نشده است؟

۱. ر.ک: ابن حزم، *الفصل*، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲. ابن وزیر، *العواصم والقواصم*، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. ر.ک: مناوی، *فیض التقدير*، ج ۲، ص ۲۷.

۴. برای نمونه، ر.ک: آقانوری، «حدیث افتراق امت، نقل‌ها و پیامدها»، مجله هفت آسمان، ش ۱۸؛ آقانوری، «حدیث افتراق»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲؛ صابری، «حدیث فرقه ناجیه»، مجله مشکوه، ش ۷۹؛ بقایی‌یمین، «بررسی و نقد حدیث فرقه ناجیه»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی،

حدیث افتراق و منابع فرقه‌نگاری در یک نگاه

روش پرداختن منابع فرقه‌نگاری به معرفی فرقه‌ها یکسان نیست. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان منابع فرقه‌نگاری به‌جامانده را به دو دسته تقسیم کرد. در یک دسته آثار، فرقه‌نگار مبنای نگارش و پرداختن به فرقه‌ها را حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها قرار داده و چینش و شمارش فرقه‌ها را به گونه‌ای پیش برده که بتواند ۷۳ فرقه را معرفی کند اما در دسته دیگر، نویسنده بدون توجه به حدیث افتراق و بدون ارتباط با آن، هدف خود را دنبال کرده و با بیان عقاید و برخی از ویژگی‌های فرقه‌ها، در برخی موارد به معرفی فرقه‌ها نیز پرداخته است. برخی از مهم‌ترین منابع موجود فرقه‌نگاری تا قرن پنجم که با این تمایز به معرفی فرقه‌ها پرداخته‌اند به شرح ذیل است:

۱-۲. نخستین کتاب، *مسائل الامامة* از ناشیء اکبر، عبدالله بن محمد (د. ۲۹۳ق) است. بخشی از این کتاب در سال‌های اخیر به دست آمده و ترجمه و منتشر شده است. نویسنده با مبنا قرار دادن اساس اختلاف در عقاید، ریشه‌های اصلی مذاهبی را که اهل نماز در آن اختلاف کرده‌اند، بازگو کرده است.^۱ پس از آن بیان شده است که مردم در زمان رسول خدا ﷺ با هم الفت داشتند اما پس از رحلت آن حضرت چهار دسته شدند. گروه‌های مختلف در این کتاب به گونه‌ای معرفی شده‌اند که به همان روایت افتراق رسیده و به حدیث افتراق نیز اشاره شده است.^۲ وی با تأکید بر این که تعداد فرقه‌ها بیش از ۷۰ است^۳ در خلال مباحث خود به این فرقه‌ها اشاره کرده است.

۲-۲. کتاب دیگر، *فرق الشیعة* از حسن بن موسی نوبختی (د. ۳۱۰ق) است که معاصر اثر پیشین است. نوبختی در این کتاب بدون توجه به حدیث افتراق، به عوامل افتراق پرداخته

۱. ناشیء اکبر، *مسائل الامامة*، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۸۲.

۳. همان.

است. وی ریشه انشعاب فرقه‌ها را سه فرقه می‌داند؛ فرقه شیعه که پیروان امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند و فرقه‌ای که امارت را از آن سعد بن عباده می‌دانند و فرقه‌ای که به بیعت با ابوبکر میل داشتند و معتقدند پیامبر صلی الله علیه و آله نصی بر جانشین خود ندارد و این کار به مردم واگذار شده است.^۱ البته نوبختی نیز شمارش فرقه‌ها را به ۷۳ فرقه رسانده است اما اولاً وی به دنبال تطبیق این تعداد بر حدیث افتراق نبوده است؛ ثانیاً فقط از ۶۱ فرقه نام برده و فرقه‌هایی را که در امامت پس از امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف پیدا کردند، بدون ذکر نام، ۱۲ فرقه می‌داند؛ از این روست که فقط تعداد فرقه‌ها به ۷۳ می‌رسد بدون آن که بخشی از آن‌ها نام شناخته شده‌ای داشته باشند.

۳-۲. المقالات والفرق از سعد بن عبدالله اشعری (د. قرن سوم) نیز دقیقاً به روش نوبختی به فرقه‌ها پرداخته و عواملی را که منجر به افتراق شده بیان کرده است و توجهی به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها و فرقه‌نگاری و تعداد فرقه‌ها ندارد.^۲ وی به حدود یک صد فرقه اشاره کرده که بیش از ۷۰ فرقه از آن‌ها با نام معرفی شده‌اند؛ اما اشعری به دنبال تطبیق این تعداد بر حدیث افتراق نبوده است.

۴-۲. مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین از علی بن اسماعیل اشعری (د. ۳۲۴ق) نیز بدون توجه به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها، به معرفی فرقه‌های مختلف و عقاید آنان البته با تفصیل بیشتری پرداخته است. چون وی به دنبال تطبیق تعداد فرقه‌ها بر حدیث افتراق نبوده، به بیش از ۷۳ فرقه اشاره کرده است. البته وی فقط از ۷۰ فرقه نام برده و از تعداد دیگری یاد کرده است که با نام شناخته شده نیستند. ذکر برخی از عقاید کلامی و مقایسه آن‌ها در فرقه‌های مختلف، از ویژگی‌های این اثر در سرتاسر کتاب است.

۱. نوبختی، فرق الشیعة، ص ۲-۳.

۲. اشعری، المقالات والفرق، ص ۲ به بعد.

۵-۲. ابوحاتم، احمد بن حمدان رازی (د. ۳۳۲ق) با نگارش *الزینة* به معرفی فرقه‌ها پرداخته است. وی در این کتاب با اشاره به حدیث افتراق، اهل سنت و جماعت را فرقه ناجیه می‌داند؛ اما توجهی به نقش این حدیث در فرقه‌گرایی مردم ندارد و این حدیث را مبنای انشعاب و تقسیم‌بندی فرقه‌ها ندانسته است. علاوه بر این، معنایی که وی برای سنت و جماعت دارد با معنای مشهور کاملاً تفاوت دارد.^۱

۶-۲. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (د. ۴۲۹ق) صاحب کتاب *الفرق بین الفرق*، حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها را مبنای مباحث خود قرار داده است. روش و نکات مورد توجه بغدادی در این کتاب با برخی دیگر همچون ابوالمعالی متفاوت است. وی برای بیان ریشه‌های اختلاف فرقه‌ها، به اختلاف در حوادث پس از رحلت رسول خدا ﷺ و اثرات آن پرداخته است. او از اختلاف در حوادث جزئی و اختلاف در این که آیا آن حضرت رحلت کرده یا زنده است، آغاز کرده و به حوادث بعدی تا اختلاف در خلافت عثمان پرداخته و در سیری تاریخی، مقابله گروه‌ها با امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شکل گرفتن فرقه‌های مختلف را مطرح کرده است.^۲ وی با آن که مجموع فرقه‌ها را به علاوه اهل سنت و جماعت ۷۳ فرقه دانسته است، در شمارش فرقه‌ها دچار اشتباه شده است. او از هر یک از گروه روافض، خوارج، مرجئه و قدریه ۲۰ فرقه منشعب دانسته است اما آن‌ها را ۷۲ فرقه شمرده و با اهل سنت و جماعت به عدد ۷۳ رسیده است^۳ در حالی که با یک محاسبه ساده جمع آن‌ها بیش از ۸۰ فرقه می‌شود؛ همچنین وی هنگام برشمردن ۲۰ فرقه

۱. رازی، *الزینة*، ص ۱۹۲.

۲. بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۱۹-۳۷.

۳. همان، ص ۳۴.

زیرمجموعه قدریه، فقط از ۱۷ فرقه نام برده، سپس جمع آنها را ۲۲ فرقه می‌داند؛ یا خوارج را ۲۰ فرقه می‌داند در حالی که از ۱۸ فرقه نام می‌برد.^۱

به هر حال گذشته از این اشتباهات در شمارش فرقه‌ها و نام آنان، بغدادی به دنبال تطبیق تعداد فرقه‌ها بر حدیث افتراق و معرفی فرقه ناجیه یعنی همان فرقه اهل سنت و جماعت است. به همین سبب وی پس از معرفی فرقه‌ها و انشعاب آنها، به تفصیل درباره اهل سنت و جماعت و عقاید و فضایل آنان سخن گفته است.^۲

۲-۷. از میان فرقه‌نگاران، ابن حزم، علی بن احمد (د. ۴۵۶ق) در کتاب الفِصل فی الملل والاهواء والنحل نیز به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها توجهی نداشته و به اختلاف عقاید فرقه‌های اسلامی پرداخته است. وی اصل فرقه‌ها را پنج فرقه دانسته است که سایر فرقه‌ها از این پنج فرقه منشعب شده‌اند. وی سپس بسیاری از عقاید اسلامی را مطرح کرده و به اختلاف افراد یا برخی گروه‌ها با این عقاید اشاره کرده است. درباره روش ابن حزم باید به دو نکته توجه داشت: نخست آن که وی اهل سنت را محور قرار داده و اختلاف سایر فرق را با آنان سنجیده است، دوم آن که وی به روش اهل سنت، بحث توحید و مباحث مربوط به آن را، البته با تعریف و تبیین مورد نظر اهل سنت، محور قرار داده و سپس مباحث دیگر را آورده است.^۳ علاوه بر آن که وی در ابتدای کتاب و پیش از پرداختن به فرقه‌های اسلامی، برخی از مباحث اصلی علم کلام مانند حدوث عالم، زمان، مکان، رسولان و مباحث دیگر را با توجه به نظر برخی از کتاب‌های آسمانی دیگر مانند تورات و انجیل و ادیان دیگر مانند مسیحیت، مورد بررسی قرار داده است.

۱. همان، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۲۷۶ به بعد.

۳. ابن حزم، الفِصل، ج ۱، ص ۳۲۳ به بعد.

به هر حال با بررسی منابع فرقه‌نگاری می‌توان دریافت که، چنان که بدان اشاره شد، تعداد اندکی از این منابع همانند ابوالمعالی مبنای مباحث خود را حدیث افتراق قرار داده‌اند. بلکه به عکس، بیشتر آن‌ها همانند شیخ مفید، به این حدیث و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها توجهی ندارند. البته ممکن است در معیار و مبنای مباحث خود نیز نقاط مشترک بسیاری نداشته باشند و هر یک به فراخور عقاید و سلیقه خود معیار و مبنای دیگری را برگزیده باشند.

معرفی دو منبع مورد مطالعه

با توجه به این که این مقاله بر مقایسه و بیان تمایز روش و سبک دو اثر متفاوت در فرقه‌نگاری و نوع نگاه آن دو به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها تمرکز دارد، لازم است ابتدا این دو اثر معرفی شوند.

۱-۱. *اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات*، شیخ مفید (د. ۴۱۳ق)

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی کُرخ، معروف به «ابن المُعَلَّم» و مشهور به شیخ مفید در یازدهم ذی القعدة سال ۳۳۶ق به دنیا آمد و بنا بر قول مشهور در شب جمعه سوم رمضان ۴۱۳ق از دنیا رفت. شیخ مفید از عالمان برجسته شیعه بود که آثار بسیاری در رشته‌های مختلف علمی از خود به جای گذاشت و برخی منابع در حدود دویست کتاب برای او نام برده‌اند که *اوائل المقالات* از آن جمله است.^۱ شیخ مفید بر اساس نگاهی کاملاً دین‌مدارانه هر گاه تشخیص داده است که ضرورت‌های اجتماعی زمان ایجاب می‌کند تا دست به قلم شود و رساله یا کتابی را تدوین کند این کار را با قدرت تمام و به خوبی انجام داده است. از این رو با یک بررسی گذرا در آثار شیخ مفید از جمله کتاب *اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات* به آسانی می‌توان پی برد که بر

۱. ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۳۹۹-۴۰۰.

خلاف کتاب *بیان الادیان*، که بر مبنای حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها نگاشته شده است، مهم‌ترین دغدغه شیخ مفید از یک سو اثبات امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام و به دنبال آن اثبات عدم شایستگی کسانی است که به ناحق بر این مسند تکیه زدند و بیان حقانیت امامان علیهم السلام و برتری و شایستگی ایشان برای امامت و ارشاد مردم از سوی دیگر است. بر همین اساس شیخ مفید به هیچ عنوان به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها نه به لحاظ مفهوم حدیث و نه در شمارش فرقه‌ها و چینش و انقسام آن‌ها توجهی ندارد. شاید به همین سبب ممکن است گفته شود این کتاب از لحاظ موضوع به فرقه‌شناسی اختصاص ندارد. همچنان که شیخ مفید نیز چنین ادعایی ندارد و کاملاً روشن است که وی نه تنها به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها توجهی نداشته است بلکه در انقسام و چینش فرقه‌ها نیز به تعداد فرقه‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها توجهی ندارد. با این حال، کتاب *اوائل المقالات* به همان مقداری که به شناخت فرقه‌های اسلامی و منشأ اختلاف عقاید آنان پرداخته است، از بهترین آثار در این زمینه به شمار می‌آید. به ویژه آن که شیخ مفید علاوه بر تبیین نظرات شیعه، آن‌ها را با نظرات دیگران، از جمله معتزله و اشاعره مقایسه کرده و در ابتدای مطالب خود اشاره کرده است که این کتاب می‌تواند مبنای مورد اعتمادی برای آزمودن اعتقادات باشد.^۱

شیخ مفید بدون در نظر گرفتن حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها، در قالب ۱۵۶ موضوع کلامی، اعتقادی، فلسفی و تاریخی، ضمن بیان نظرات شیعه امامیه که همان شیعه اثناعشری است نظرات فرقه‌هایی را که درباره آن موضوعات نظر دیگری داشته‌اند آورده و مطالب کتاب *اوائل المقالات* را در پنج بحث بیان کرده است؛ بحث اول درباره تفاوت مفهوم عرفی کلمه شیعه و معتزله و علت نام‌گذاری این دو، در قول نخست؛ بحث دوم درباره تفاوت امامیه و غیر امامیه مانند زیدیه و دیگران، در قول دوم؛

۱. مفید، *اوائل المقالات*، ص ۳۴.

بحث سوم درباره تفاوت مسائل اعتقادی شیعه و معتزله، در قول سوم تا قول ۱۸؛ بحث چهارم درباره اصول اعتقادی با اشاره به آراء و ادله که از قول ۱۸ تا پایان کتاب است به جز بخش «اللطیف من الکلام»؛ و بحث پنجم درباره مسائل عقلی به طور عام که از امور اعتقادی نیستند اما مسائل اعتقادی بر آنها بنا گذاشته می‌شوند که «اللطیف من الکلام» نامیده می‌شود. این بخش از قول ۸۲ تا ۱۰۵ و سپس از قول ۱۴۱ تا ۱۵۱ ادامه دارد و پس از آن، سه مسأله که ارتباطی با مسائل قبلی ندارد بر آنها افزوده شده است.^۱ بر این اساس، شیخ مفید نه تنها به حدیث افتراق توجهی نداشته است بلکه تعداد فرقه‌هایی که معرفی کرده و به بیان عقاید آنها پرداخته است بسیار کمتر از ۷۳ فرقه است.

۲-۱. بیان الادیان، ابوالمعالی محمد حسینی علوی (زنده به سال ۴۸۵ق)

ابوالمعالی محمد حسینی علوی؛ چنان که در ابتدای کتابش آمده است، نسب وی به فرزندی از امام سجاد علیه السلام به نام حسین اصغر می‌رسد و به همین سبب باید او را علوی به شمار آورد. حسین فرزند جعفر الحجه که از اجداد ابوالمعالی است، در ۲۴۱ق به بلخ سکونت یافت و فرزندان و نسل او از فرمانروایان و نقبا و بزرگان این شهر محسوب می‌شدند.^۲ به همین سبب به نظر می‌رسد که ابوالمعالی نیز در بلخ می‌زیسته است چنان که برخی منابع نیز بدان اشاره کرده‌اند.^۳

بر اساس آن چه که خود وی نوشته، دست کم تا سال ۴۸۵ق زنده بوده است زیرا وی می‌گوید از زمان ولادت مهدی و قائم الزمان علیه السلام به سال ۲۵۵ق تا کنون که این کتاب

۱. همان، مقدمه محقق، ص ۵-۶.

۲. حبیبی مظاهری، «ابوالمعالی، محمد»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۲۶۷.

۳. فخر رازی، الشجرة المباركة، ص ۱۵۳.

نوشته شد ۲۳۰ سال قمری می‌گذرد،^۱ که حاصل جمع این دو عدد ۴۸۵ می‌شود. هر چند برخی به اشتباه سال تالیف کتاب را ۴۷۵ آورده‌اند.^۲

درباره مذهب ابوالمعالی نیز اختلاف است. از برخی عبارتهای کتاب او به نظر می‌رسد که از اهل سنت است. به عنوان نمونه او در ابتدای کتاب خود هدف از نگارش کتاب را چنین آورده است:

در مجلس پادشاهی سخن رفت در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی و در معنی خبری که پیغامبر علیه السلام فرموده است که امت من پس از من ۷۳ فرقه شوند و همه در آتش روند الا یک گروه. این ۷۳ گروه کدامند و لقب و مقالات هر یکی چیست و هر یکی را به چه باز خوانند تا مذهب گروه ضلال بخوانند و گمراهی ایشان بدانند تا گروه سنی قدر نعمت ایزد تعالی شناسند که ایشان را به توفیق و عصمت خویش از چنان ضلالت‌ها نگاه داشت؛ آنگاه شکر آن نعمت به قدر وسع بگویند چنین که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ».^۳

از این عبارت بر می‌آید که او اهل سنت را اهل نجات و سایر گروه‌ها را در گمراهی دانسته است. اما از سوی دیگر شواهدی وجود دارد که به آسانی نمی‌توان وی را از اهل سنت دانست بلکه به عکس، به نظر می‌رسد وی تمایل خود را به شیعه بیشتر نشان داده است. از جمله این شواهد موارد ذیل است:

۱. رک: ابوالمعالی، بیان‌الادیان، ص ۶۰.

۲. حر عاملی، اثنا عشریة، ص ۵۲.

۳. اعراف، ۴۳. بنگرید: ابوالمعالی، بیان‌الادیان، ص ۱۶-۱۷.

نخست؛ پرداختن به شیعه و بالاخص شیعه اثناعشری و ارائه فهرستی از ائمه شیعه اثناعشری با ذکر جزئیات مربوط به تاریخ زندگی آنان به هنگام معرفی فرقه‌های اسلامی؛ دوم؛ نقل آراء فقهی خاص شیعه امامیه و در حقیقت معرفی شیعه با مباحث فقهی شیعه امامیه، بر خلاف معرفی فرقه‌های دیگر که چندان توجهی به آراء فقهی آنان ندارد؛ سوم؛ آوردن حدیث مشهور ۷۳ فرقه که از طریق عامه و خاصه به طور مستقل روایت شده است، در ضمن حدیث غیرمشهوری از طریق ائمه امامیه علیهم‌السلام که شامل حدیث غدیر، حدیث ثقلین و برخی باورهای دیگر شیعی است. علاوه بر آن که ابوالمعالی این حدیث را دارای بهترین سند و طریق دانسته و به گونه‌ای آن را نقل کرده است که به خواننده این باور القا می‌شود که فرقه ناجیه فرقه‌ای جز پیروان اهل بیت علیهم‌السلام نیست.

موضوع دیگری که سبب تردید در سنی بودن ابوالمعالی می‌شود این که وی با برشمردن ۷۳ فرقه اسلام، شش فرقه را به اهل سنت اختصاص می‌دهد و با این روش در حقیقت از اهل سنت و شیوه معمول آنان در تقسیم و برشمردن فرقه‌ها بسیار فاصله می‌گیرد؛ زیرا در میان اهل سنت روش متداول آن است که ۷۲ فرقه را به فرق ضاله و یکی را به فرقه ناجیه یعنی اهل سنت و جماعت اختصاص دهند.^۱

کتاب *بیان‌الادیان* در ابتدا به اختصار به معرفی برخی ادیان و مذاهب پیش از اسلام و سپس به معرفی فرقه‌های اسلامی پرداخته است، اما با توجه به آن که بیشتر مباحث آن به انشعابات فرقه‌های اسلامی اختصاص دارد، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این کتاب تنها کتابی است که در قرن پنجم در شناخت ادیان و مذاهب و فرقه‌های اسلامی به زبان فارسی نگاشته شده و در دسترس ما قرار دارد و به همین سبب ویژگی و اهمیت خاصی دارد. برخی به اشتباه، *بیان‌الادیان* را به زبان عربی دانسته‌اند^۲ که البته درست نیست.

۱. رک: حبیبی مظاهری، «ابوالمعالی، محمد»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۶، ص ۲۶۷.

۲. امین، *مستدرکات اعیان‌الشیعة*، ج ۱، ص ۸۰.

بیان‌الادیان در پنج باب تدوین شده است؛ باب اول، خداپرستی بیشتر اقوام و ملل در طول تاریخ را بیان کرده است. در باب دوم، ادیان و مذاهب پیش از اسلام آمده است. باب سوم، حدیث تفرقه و انطباق فرقه‌های اسلامی با این حدیث را در بر دارد؛ در این باب، فرقه‌های اصلی اسلام به هشت فرقه سنت و جماعت، معتزله، شیعه، خوارج، مجبّره، مشبّهه، کرامیه، صوفیه و مرجئه تقسیم شده و سپس فرقه‌های زیرمجموعه این فرقه‌ها ذکر شده است. در باب چهارم، عقاید گروه‌های هشت‌گانه یاد شده آمده است. باب پنجم، گروه‌های مدعی نبوت و الوهیت و قیام‌هایی را که با این ادعاها صورت گرفته، معرفی کرده است. در این بخش، علاوه بر مسیلمه (د.۱۲ق) و اسود عنسی (د.۱۱ق) که در صدر اسلام ادعای نبوت کردند، به اقدامات برخی از افراد مانند مختار (د.۶۷ق) و برخی از گروه‌های غلات نیز اشاره شده است. به نظر می‌رسد وی درباره مختار از حد بی‌طرفی خارج شده و به گفته‌های متعصبان اهل سنت تکیه کرده است؛ که البته این امر طبیعی به نظر می‌آید زیرا منبع مورد استفاده وی کامل مبرّد بوده است.^۱

بیان‌الادیان برای نخستین بار به همت شارل شفر در سال ۱۸۸۳م، در جلد اول منتخبات فارسی همراه با ترجمه‌ای به زبان فرانسه در پاریس منتشر شد. بعد از آن در سال ۱۳۲۱ عباس اقبال آن را با اصلاحات اندکی در تهران چاپ کرد و در سال ۱۳۷۶ نیز همین چاپ با تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه در تهران تجدید چاپ شد. سرانجام چاپ جدید این کتاب به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۷۶ در انتشارات روزبه سامان گرفت. این چاپ، چهار باب قبلی به تصحیح عباس اقبال و باب پنجم به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه را در بر دارد.

ابوالمعالی بیان‌الادیان را برای معرفی ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی و معرفی فرقه‌های اسلامی تدوین کرده است اما شیخ آقابزرگ تهرانی (د.۱۳۸۹ق) در جایی این

۱. رک: ابوالمعالی، بیان‌الادیان، ص ۷۰-۷۱.

کتاب را در شمار ردیه‌های نگاشته‌شده بر ضد صوفیه آورده است^۱ و در جایی دیگر نمی‌پذیرد که این کتاب در رد بر صوفیه نگاشته شده باشد^۲ که همین نظر دوم درست است زیرا با مطالعه و بررسی بیان‌الادیان نمی‌توان این کتاب را در رد بر صوفیه دانست.

ارتباط حدیث افتراق با سبک شیخ مفید در معرفی فرقه‌ها

با توجه به مطالب یادشده درباره تفاوت روش منابع فرقه‌نگاری، باید گفت که روش شیخ مفید در معرفی فرقه‌ها، با روش سایر منابع تفاوت بسیاری دارد. از میان موضوعات مورد توجه شیخ مفید دو موضوع از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ یکی موضوع امامت و دیگری موضوع جنگ با امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام که از نظر شیخ مفید تأثیر بسیاری در انشعاب تعدادی از فرقه‌ها داشته است. به همین سبب، درباره این دو عامل مؤثر در انشعاب فرقه‌ها توضیحی ارائه می‌شود.

۱-۱. موضوع امامت

بر خلاف ابوالمعالی که مبنای معرفی فرقه‌ها را حدیث افتراق قرار داده است، شیخ مفید مبنای معرفی فرقه‌ها را پذیرش امامت امامان معصوم علیهم السلام قرار داده است. وی فرقه‌ای را که به امامت امامان علیهم السلام اعتقاد داشته باشد شیعه دانسته و با توضیح معنای لغوی و اصطلاحی شیعه، به تفاوت شیعه امامیه و سایر فرقه‌های شیعه و نیز تفاوت شیعه با فرقه‌های دیگر پرداخته است.^۳ ایشان سپس به اختلاف امامیه و معتزله درباره امامت پرداخته و در ادامه با اشاره به برخی از عقاید مورد اتفاق امامیه مانند خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام از سوی آن حضرت در زمان حیاتش و نص رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. آقابزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

۲. همان، ج ۲۴، ص ۱۰۶.

۳. مفید، *اوائل المقالات*، ص ۳۸-۳۹.

بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از آن حضرت، به اجماع فرقه‌های مخالف این اعتقاد مانند معتزله، خوارج، مرجئه، بتریه و حشویه اشاره کرده است که نص رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امامت بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را انکار می‌کنند.^۱ شیخ مفید همچنین به اتفاق نظر امامیه بر وجود نص بر امامت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پس از امیرالمؤمنین علی علیه السلام از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز نص بر امامت آن دو از ناحیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام تأکید کرده است در حالی که فرقه‌های معتزله، خوارج، مرجئه، بتریه و حشویه که بدان اشاره شد، به جز زیدیه جارودیه، مخالف این نص و منکر امامت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام با نص هستند. همچنین امامیه بر این اعتقاد اتفاق نظر دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امامت امام علی بن الحسین علیه السلام تصریح کرده است همچنان که پدر و جد او نیز بر امامت ایشان تصریح کرده‌اند و ایشان بدین سبب امام مؤمنین است و معتزله، خوارج، زیدیه، مرجئه و منتسبان به اصحاب حدیث بر خلاف این اجماع دارند و به اجماع انکار کرده‌اند که علی بن الحسین علیه السلام با اسبابی که امامت را برای امامان مسلمین واجب می‌کند، امام امت باشد. همچنین امامیه اتفاق نظر دارند که امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده تن هستند و به جز امامیه، تمام گروه‌ها و فرقه‌ها با این نظر مخالفند.^۲

در حقیقت شیخ مفید پیش از آن که به معرفی نام یا علت نام‌گذاری یا حتی عقاید فرقه‌های مختلف بپردازد برخی از عقاید اساسی مانند اعتقاد به امامت را محور قرار داده و نظرات فرقه‌های مختلف را درباره این اعتقاد بازگو کرده است و از این طریق فرقه‌های مختلف را معرفی کرده است. به همین سبب شیخ مفید که بر خلاف ابوالمعالی به حدیث افتراق توجه نداشته و به دنبال معرفی همه فرقه‌ها نبوده است با بیان اعتقاد شیعه به امامت، تنها به فرقه‌هایی اشاره کرده است که در نقطه مقابل شیعه در این اعتقاد قرار

۱. همان، ص ۳۹-۴۰.

۲. همان، ص ۴۰-۴۱.

دارند و از این رو نیاز به معرفی همه فرقه‌ها نداشته است. مهم‌ترین علت اختلاف در تعداد فرقه‌های معرفی شده نیز همین است. بین تعداد فرقه‌های معرفی شده از سوی شیخ مفید و از سوی ابوالمعالی تفاوت عددی بسیاری دیده می‌شود چرا که شیخ مفید از بسیاری فرقه‌ها که ابوالمعالی معرفی کرده، حتی نام نبرده است.

۱-۲. جنگ با امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام

موضوع دیگری که شیخ مفید برای معرفی فرقه‌ها محور قرار داده و نظرات چند فرقه را درباره آن بازگو کرده است، جنگ با امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اظهار نظر در این باره است. از نظر ایشان امامیه، زیدیه و خوارج اتفاق نظر دارند که ناکثین و قاسطین از اهل بصره و شام همگی کافر و گمراهند و به سبب جنگ با آن حضرت، مورد لعن و در آتش جاودانه خواهند بود. در حالی که معتزله، به جز غزّال (واصل بن عطا مشهور به غزّال) (د. ۱۳۱ق)، ابن باب (عمرو بن عبید) (د. ۱۴۴ق)، مرجئه و حشویه از اصحاب حدیث نظرشان بر خلاف این است. همه معتزله به جز کسانی که نام بردیم و گروهی از مرجئه و عده‌ای از اصحاب حدیث بر این اعتقادند که محاربان با امیرالمؤمنین علی علیه السلام فاسقند اما کافر نیستند و البته از میان این گروه‌ها معتزله معتقدند که آنان به سبب فسقشان در آتش جاودانه خواهند بود و باقی مرجئه و اصحاب حدیث معتقدند که آنان مستحق نسبت کفر یا فسوق نیستند و عده‌ای از این دو فرقه بر این اعتقادند که آنان در جنگ با امیرالمؤمنین علی علیه السلام به اجتهاد خود عمل کرده‌اند و به سبب این اجتهاد از خدا اطاعت کرده‌اند و اجر خواهند داشت و گروهی دیگر گفته‌اند آنان گناه کرده‌اند اما فاسق نیستند و نمی‌توان گفت آنان مستحق عذابند.^۱

در این بین، از میان همه معتزلیان، واصل غزّال و عمرو بن عبید بن باب گمان کرده‌اند که طلحه، زبیر، عایشه و همراهان آنان و علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حسن علیه السلام و

۱. همان، ص ۴۲-۴۳.

حسین علیه السلام و همراهان آنان مانند عمار بن یاسر و دیگران از مهاجرین و بزرگان انصار و باقی ماندگان از اهل بیعت رضوان در اختلافی که داشتند مانند دو گروهند که یکدیگر را لعن می‌کنند و یکی از این دو گروه فاسق و گمراهند و مستحق آتش جاودانه دوزخند اما دلیلی بر تشخیص آن گروه وجود ندارد.^۱

همچنین امامیه، زیدیه و گروهی از اصحاب حدیث بر این اعتقادند که خروج کنندگان بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام خارج شدگان از دینند و به سبب خروج بر آن حضرت کافرند و در آتش دوزخ جاودانه‌اند اما همه معتزله نظرشان بر خلاف این است و از کافر شمردن آنان منع کرده‌اند و تنها به این اکتفا کرده‌اند که آنان فاسقند و باید در آتش دوزخ جاودانه باشند. و مرئیه و سایر اصحاب حدیث نیز بر این اعتقادند که آنان فاسقند و خوف عذاب برای آنان وجود دارد همچنان که برای آنان امید به بخشش و ثواب و ورود به بهشت نیز هست.^۲

شیخ مفید بر همین روال در ۱۵۶ قول (فصل)، بسیاری از اصول عقاید شیعه و بسیاری از عقاید کلامی، دینی، تاریخی، فقهی، اصولی و حدیثی شیعه امامیه را مطرح کرده و در بسیاری از موارد نظر فرقه‌ها و گروه‌های مخالف را نیز آورده است. در حقیقت شیخ مفید به این شکل، تعدادی از فرقه‌ها را با بیان اختلاف نظر آنان با شیعه امامیه در موضوعات مختلف و نیز اختلاف آنان در عقاید اصلی و فرعی معرفی کرده است.

ارتباط حدیث افتراق با سبک ابوالمعالی در معرفی فرقه‌ها

ابوالمعالی بر خلاف شیخ مفید، در ابتدای مباحث خود توجهی به عقاید فرقه‌ها یا تفاوت عقاید آنان ندارد. بلکه وی که به دنبال اثبات فرقه‌ها بر اساس حدیث افتراق و نقش آن در

۱. همان، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۴۳-۴۴.

انشعاب فرقه‌ها است تلاش می‌کند اصل انشعاب و نام فرقه‌ها و زیرمجموعه‌های فرقه‌ها را برشمارد و در خلال معرفی و شمارش این فرقه‌ها به عقاید برخی از آنان نیز اشاره کند. علاوه بر آن که وی در بیان عقاید فرقه‌ها نیز چندان به مقایسه یا بیان تفاوت عقاید آنان و همچنین بیان مبانی فکری یا اصول حاکم بر این عقاید نمی‌پردازد. بررسی وی بیشتر یک گزارش از عقاید برخی از فرقه‌ها آن هم به شکلی بسیار محدود است؛ زیرا اساساً او بر خلاف شیخ مفید به دنبال شناخت و بررسی عقاید فرقه‌ها نیست بلکه تلاش می‌کند حدیث افتراق و انشعاب فرقه‌ها را بازگو نماید و فرقه‌های اصلی و ۷۳ فرقه زیرمجموعه آنها را معرفی کند.

ابوالمعالی به همین منظور در ابتدا در دو صفحه، فهرست اسامی فرقه‌های اصلی و زیرمجموعه‌های آنها را می‌آورد^۱ و سپس در بخش دیگری به بیان این فرقه‌ها و عقاید آنها می‌پردازد. البته وی در این بخش نیز به جز توضیحاتی درباره فرقه‌های اصلی، چندان به معرفی و توضیح زیرمجموعه‌های این فرقه‌ها نپرداخته و در بیشتر موارد به اشاره به نام رئیس این فرقه‌ها یا در مواردی اندک به علت نام‌گذاری این فرقه‌ها بسنده کرده است.^۲

تمایز شیخ مفید و ابوالمعالی در معرفی فرقه‌ها با توجه به حدیث افتراق

روش شیخ مفید در معرفی فرقه‌های اسلامی با روش ابوالمعالی تفاوت‌هایی دارد که این تفاوت از نوع نگاه آن دو به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها ناشی می‌شود. برخی از مهم‌ترین عناوین تمایزهای آن دو را به شکل ذیل می‌توان برشمرد:

۱. ابوالمعالی، بیان‌الادیان، ص ۴۲-۴۴.

۲. همان، ص ۴۴-۶۶.

۱. استفاده نکردن شیخ مفید از حدیث افتراق و به کار نبردن تعبیر فرقه، به جز درباره شیعه، در بیشتر مباحث؛
۲. تأکید شیخ مفید بر فرقه نامیدن شیعه و بیان انشعاب فرقه‌های شیعه بدون اشاره به حدیث افتراق؛
۳. توجه نداشتن شیخ مفید به معرفی شناسنامه‌ای فرقه‌ها بر خلاف ابوالمعالی؛
۴. اشاره نکردن شیخ مفید به بسیاری از فرقه‌ها، به سبب عدم اختلاف عقیده آنان با شیعه؛
۵. اشاره شیخ مفید به عقاید مورد اختلاف شیعه با دیگران.
در ادامه این بحث با تفصیل بیشتری به این تمایزها اشاره می‌شود:
- ۱-۶. شیخ مفید از گروه‌ها یا افرادی که درباره عقاید شیعه اختلاف نظر دارند با عنوان فرقه نام نبرده است؛ به سبب آن که ایشان در *اوائل المقالات* از اساس به دنبال برشمردن فرقه‌ها و اثبات حدیث افتراق نبوده، بلکه به دنبال بیان عقاید درست و بر حق شیعه و سپس اختلاف نظر دیگران با این عقاید بوده است. از این رو به ندرت از تعبیر فرقه استفاده کرده است.
- ۲-۶. شیخ مفید در برخی آثار دیگر به این که شیعه یکی از فرقه‌های امت اسلامی است تأکید کرده است،^۱ همچنان که امامیه را فرقه‌ای دانسته است که برخی از فرقه‌های دیگر مانند کیسانیه از آن منشعب شدند.^۲ با این حال، شیخ مفید علاوه بر *اوائل المقالات*، در سایر آثار خود نیز که به انشعابات شیعه در دوره‌های امامان علیهم‌السلام و معرفی تعدادی از

۱. مفید، *الافصاح*، ص ۳۰.

۲. مفید، *الفصول المختارة*، ص ۲۹۶.

فرقه‌های شیعه پرداخته، به حدیث افتراق و ارتباط آن با انشعاب فرقه‌ها هیچ اشاره‌ای نکرده است.^۱

۳-۶. شیخ مفید به طور معمول به معرفی شناسنامه‌ای این فرقه‌ها و تطبیق تعداد این فرقه‌ها بر حدیث افتراق چندان توجهی ندارد. از این رو اطلاعاتی مانند رئیس این فرقه‌ها، زمان تأسیس این فرقه‌ها، انشعابات این فرقه‌ها و سرانجام این فرقه‌ها مورد توجه شیخ مفید نیست مگر در مواردی نادر؛ بر خلاف ابوالمعالی که به این نوع معرفی فرقه‌ها اهمیت بسیاری داده، در صدد تطبیق تعداد فرقه‌ها بر حدیث افتراق است.

۴-۶. چون بنای شیخ مفید در *اوائل المقالات* بر معرفی همه فرقه‌ها و انشعابات آنان و در نتیجه تطبیق تعداد فرقه‌ها بر حدیث افتراق نبوده است، از بسیاری از فرقه‌ها چه از فرقه‌های شیعه و انشعابات آنان، چه از فرقه‌های اهل سنت و انشعابات آنان سخن به میان نیاورده است. وی فقط از فرقه‌هایی یاد کرده است که در عقایدشان با شیعه، به ویژه شیعه امامیه، تفاوت‌های جدی وجود دارد. به همین سبب از بسیاری از انشعابات و اختلاف عقاید درون فرقه‌ای نیز، چه در میان شیعیان و چه در میان اهل سنت، یاد نکرده است.

۵-۶. شیخ مفید در *اوائل المقالات* به شکل عمومی به پاره‌ای از عقاید شیعه امامیه پرداخته است که در میان فرقه‌های دیگر مخالف آن عقاید وجود دارد و از این رو به آن فرقه‌ها و عقاید آنان نیز اشاره کرده است، اما چنین نیست که تمام عقاید شیعه مطرح شده، به مخالفان آنان نیز اشاره شده باشد. در حقیقت عقایدی که شیخ مفید آورده است، بخشی از عقاید شیعه و آن هم بیشتر باورهای کلامی است که درباره آن در میان فرقه‌های دیگر اختلاف نظر وجود دارد. این در حالی است که ابوالمعالی از اساس بنای بر مقایسه و تطبیق عقاید شیعه با سایر فرقه‌ها نداشته است از این رو در معرفی فرقه‌های شیعه تنها به معرفی بخشی از عقاید شیعه بسنده کرده است.

۱. برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۲۹۶-۳۳۰.

تفاوت سبک شیخ مفید با ابوالمعالی با نگاه به حدیث افتراق

شیخ مفید بر خلاف ابوالمعالی به حدیث افتراق و نقش آن در انشعاب فرقه‌ها توجه نداشته است زیرا وی صرفاً به دنبال معرفی فرقه‌ها نبوده بلکه به دنبال نشان دادن تفاوت‌های اعتقادی فرقه‌ها و یا بازگو کردن عقاید برخی از افراد بوده است. بنا بر این نوع پرداختن وی به این مطالب با ابوالمعالی تفاوت‌هایی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۷. شیخ مفید علاوه بر آن که از تمام فرقه‌ها نام نبرده، از فرقه‌های مختلف نیز همیشه به یک شکل یا عنوان شناخته‌شده و مشهور آن‌ها یاد نکرده است. به عنوان نمونه از اصحاب حدیث که در تقسیم‌بندی ابوالمعالی خود چند فرقه زیرمجموعه دارد،^۱ با عناوینی چون اهل الحدیث، المنتسبون الی الحدیث؛ از مجبره با عناوینی چون اهل الجبر و اهل الاجبار؛ از قدریه با عنوان اهل القدر؛ از مفوضه با عنوان الممتمون الی التفویض؛ از معتزله با عنوان اهل الاعتزال و از امامیه نیز با عناوینی چون الشیعه و اهل الامامه یاد کرده است. اما ابوالمعالی که در صدد برشمردن فرقه‌ها و گاهی در صدد معرفی برخی از آنان بوده، به طور معمول از همان عنوان مشهور فرقه‌ها یاد کرده است.

۲-۷. شیخ مفید از فرقه‌ها یا گروه‌هایی یاد کرده است که یا از اساس به عنوان فرقه شناخته نمی‌شوند و یا دست کم در فهرست فرقه‌هایی که ابوالمعالی معرفی کرده است نیامده‌اند؛ مانند اصحاب المخلوق، اصحاب الصفات، اصحاب التناسخ، اصحاب اللطف، اصحاب الجهالات، محکمه، اهل العدل، اصحاب الموافاه من الراجیه، اصحاب الاصلح و بنونوبخت یا نام برخی افراد مانند ابوعلی جبّایی یا ابوهاشم و مانند آن.

۱. رک: ابوالمعالی، بیان الادیان، ص ۴۶-۴۷.

۳-۷. شیخ مفید به سبب آن که به دنبال معرفی ۷۳ فرقه یا اثبات حدیث افتراق نبوده است، گاهی به نظرات برخی از گروه‌های غیرمسلمان که به عنوان فرقه شناخته نمی‌شوند نیز اشاره دارد، مانند الملحدون، دهریه و الموحدین؛ در حالی که ابوالمعالی در شمردن یا معرفی فرقه‌ها، با توجه به حدیث افتراق، تنها به فرقه‌های زیرمجموعه مسلمانان اشاره کرده است. البته وی بسیاری از ادیان و مذاهب پیش از اسلام، خداپرستان و غیرخداپرستان را معرفی کرده و گاهی به عقاید آنان نیز اشاره کرده است^۱ اما این مطالب را به عنوان فصل‌های پیشین آورده و در ذیل معرفی فرقه‌ها نیاورده است زیرا آن‌ها در شمار آن ۷۳ فرقه نیستند.

۴-۷. شیخ مفید در مجموع از حدود ۱۵ فرقه اصلی از شیعه و اهل سنت نام برده است که در عقاید مختلف با شیعه امامیه اختلاف نظر دارند که عبارتند از: معتزله، مرجئه، زیدیه، قدریه، بتریه، حشوئیه، خوارج، جهمیّه، مشبّهه، مفوضه، غلات، مجبّره، محکّمه، اصحاب الرأی و اصحاب الحدیث. این فرقه‌های اصلی گاه با تعبیر متفاوتی یاد شده‌اند مانند اهل الجبر^۲ یا اهل الاجبار^۳ که منظور همان مجبّره هستند یا اهل التشبیه^۴ که منظور همان مشبّهه هستند یا اهل الارزاء^۵ و راجیه^۶ که منظور همان مرجئه هستند. بر این اساس، نام‌هایی که شیخ مفید برای یاد کردن از فرقه‌ها به کار

۱. همان، ص ۱۹-۳۷.

۲. مفید، *اوائل المقالات*، ص ۱۰۰ و ۱۰۷.

۳. همان، ص ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۳ و ۱۰۷.

۴. همان، ص ۵۱ و ۱۰۰.

۵. همان، ص ۸۸.

۶. همان، ص ۸۴.

برده است حدود ۵۶ نام و تعبیر مختلف است که باید آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد:

نخست، نام‌هایی که با همان ۱۵ عنوان اصلی مشترکند، مانند مواردی که بدان اشاره شد؛

دوم، برخی که در اصل فرقه به شمار نمی‌آیند مانند اصحاب الجبهالات،^۱ اصحاب المخلوق^۲ و اهل التوحید؛^۳

سوم، مواردی که بخشی از یک فرقه هستند مانند بنونوبخت من الامامیه^۴ که بخشی از امامیه هستند یا اصحاب الموافات من الراجیه^۵ که بخشی از مرجئه هستند؛

چهارم، مواردی که در شمار فرقه‌های اسلامی نیستند مانند ملحدون^۶ و دهریه.^۷ ۵۷. بر خلاف شیخ مفید، ابوالمعالی که در صدد برشمردن فرقه‌ها بوده است، بر اساس حدیث افتراق، نام ۷۳ فرقه را با اشاره به دسته‌بندی کلی این فرقه‌ها و نیز در برخی موارد با اشاره به فرقه‌های مهم و عقاید آنان بیان کرده است که در ذیل به شکل نمودار نشان داده می‌شود:

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۵۷، ۹۸ و ۱۰۱.

۳. همان، ص ۶۱.

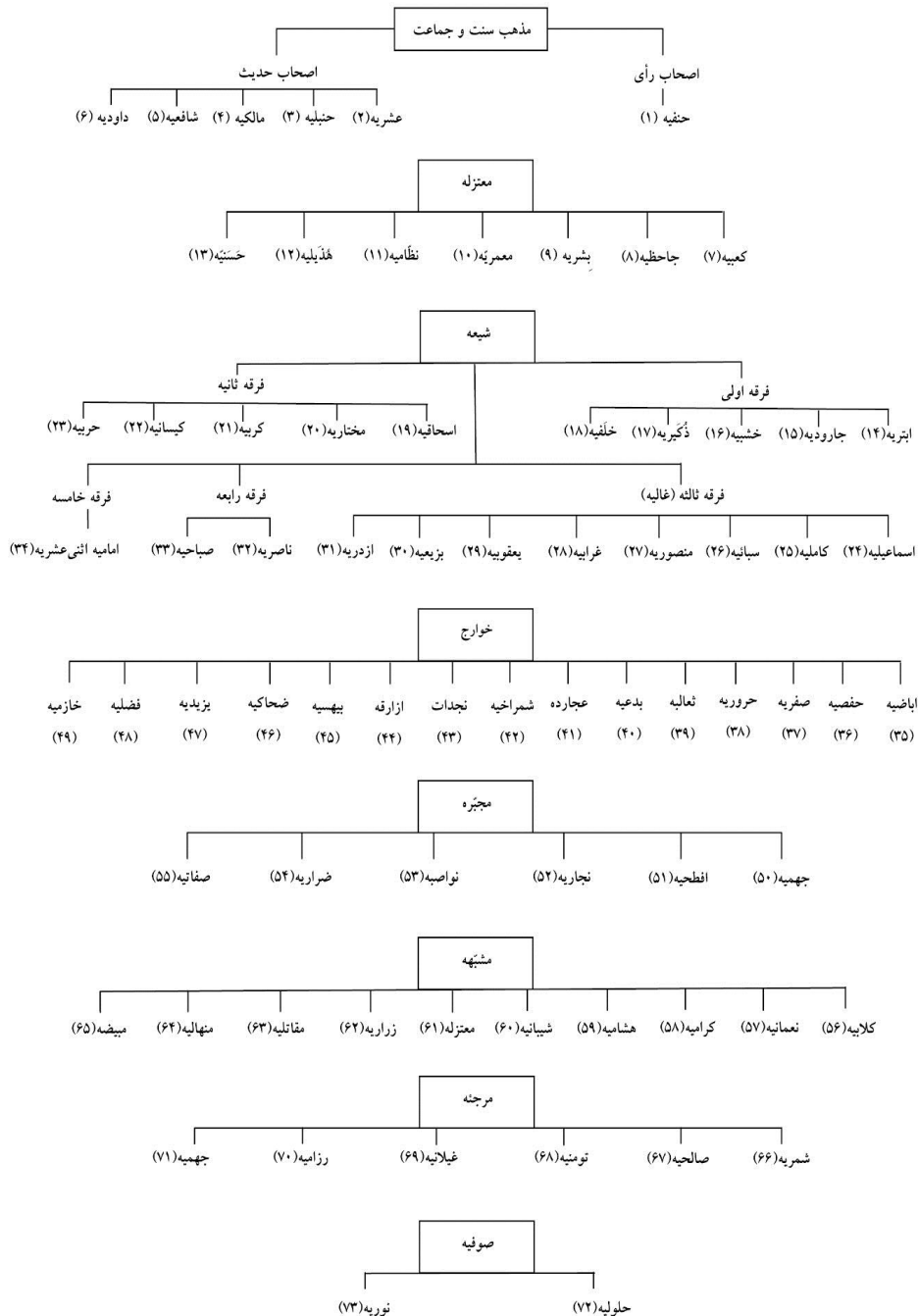
۴. همان، ص ۹۷.

۵. همان، ص ۱۱۸.

۶. همان، ص ۹۵.

۷. همان، ص ۱۳۰.

نمودار مذاهب اسلامی و انشعابات آن‌ها در کتاب بیان الادیان



درباره نام این فرقه‌ها در بیان‌الادیان باید به چند نکته توجه داشت:

۱. با آن که برخی از فرقه‌ها شهرت دارند ابوالمعالی اشاره‌ای به آن‌ها ندارد مانند «مفوضه» و «قدریه»، در حالی که شیخ مفید با همین نام‌ها و همچنین با عنوان «اهل التفویض»^۱ یا «اهل القدر» به آنان و اختلاف عقاید آنان اشاره کرده است.

۲. ابوالمعالی از برخی فرقه‌ها، هم به عنوان شاخه اصلی فرقه‌ها نام برده است و هم به عنوان زیرمجموعه، مانند معتزله که هم نام یکی از فرقه‌های اصلی است که شامل چند فرقه می‌شود^۲ و هم یکی از فرقه‌های زیرمجموعه فرقه مشبّهه است^۳ که این دو را نباید یکی دانست. در حالی که شیخ مفید در بسیاری از مباحث کتاب با همان تعبیر «معتزله» و در برخی موارد با عنوان «اهل الاعتزال»^۴ یا «البصریون من المعتزله» و «مانعوا اللطف منهم» یا «البغدادیون من المعتزله» از آنان یاد کرده است^۵ که تنها به همان فرقه اصلی معتزله اشاره دارد.

۳. هر چند برخی از منابع فرقه‌نگاری دیگر نیز به ۷۳ فرقه اشاره کرده‌اند، هم در نام برخی از فرقه‌ها و هم در تقسیم‌بندی و انشعابات این فرقه‌ها با ابوالمعالی اختلاف دارند. بیشتر این اختلاف در اثر تفاوت در تقسیم‌بندی و انشعاب فرقه‌ها است. به عنوان نمونه ابوالمعالی، معتزله را شامل هفت فرقه دانسته است^۶ در حالی که شهرستانی شامل دوازده

۱. رک: همان، ص ۶۷ و ۷۲.

۲. رک: ابوالمعالی، بیان‌الادیان، ص ۴۸-۴۹.

۳. همان، ص ۴۳.

۴. رک: مفید، اوائل المقالات، ص ۵۴.

۵. رک: همان، ص ۱۰۹.

۶. رک: ابوالمعالی، بیان‌الادیان، ص ۴۹.

فرقه می‌داند.^۱ همین اختلاف سبب شده است تا شهرستانی با در نظر گرفتن زیرمجموعه‌های فرقه‌های مختلف، بیشتر از ۷۳ فرقه را معرفی کند. همچنین ابوالمعالی اصل فرقه‌های اسلامی را که فرقه‌های دیگر از آن‌ها منشعب می‌شوند هشت فرقه می‌داند^۲ در حالی که نوبختی فرقه‌های اصلی را چهار فرقه دانسته است.^۳

نتیجه

در این نوشته بیان شد که حدیث افتراق امت که به رسول خدا ﷺ منسوب است، در شکل‌گیری و تنظیم بخشی از کتاب‌های مربوط به فرقه‌های اسلامی و انشعاب آن‌ها تا قرن پنجم نقش داشته است؛ هر چند بیشتر منابع فرقه‌نگاری توجهی به این حدیث نداشته و اختلاف عقاید و معیارهای دیگر را در انشعاب فرقه‌ها در نظر داشته‌اند. به عنوان نمونه، *اوائل المقالات* از شیخ مفید و *بیان الادیان* از ابوالمعالی، که از آثار و منابع فرقه‌شناسی به شمار می‌روند، با دو نگاه متفاوت نگارش یافته‌اند؛ تبیین و بررسی عقاید شیعه امامیه و اختلاف سایر فرق، گروه‌ها و افراد با این عقاید برای شیخ مفید اولویت داشته و ایشان به هیچ عنوان به دنبال معرفی فرقه‌های اسلامی به ویژه بر اساس حدیث افتراق نبوده است، اما ابوالمعالی با محور قرار دادن حدیث افتراق، به دنبال معرفی ۷۳ فرقه اسلامی از شیعه و اهل سنت بوده است. دیگر این که شیخ مفید به دنبال منشأ و معیار انشعاب فرقه‌ها و تمایز فکری آنان بوده است اما ابوالمعالی با تقسیم‌بندی خاصی (که با برخی دیگر از منابع فرقه‌نگاری نیز تفاوت دارد)، به نام فرقه‌ها، نام رئیس فرقه یا کسی که به او منسوبند، انشعابات فرقه‌ها و درباره فرقه‌های مهم مانند شیعه و اهل سنت

۱. ر.ک: شهرستانی، *الملل والنحل*، ص ۴۹-۷۸.

۲. ر.ک: ابوالمعالی، *بیان الادیان*، ص ۴۲.

۳. ر.ک: نوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۳۴.

به برخی از عقاید و منشأ اختلاف عقاید آنان پرداخته است. ابوالمعالی همان گونه که در مقدمه کتابش اشاره کرده است، در صدد شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی و بیان حجت خصم بوده است؛ از این رو پیش از معرفی فرقه‌های اسلامی به برخی از گروه‌ها، ملت‌ها، ادیان و مذاهب پیش از اسلام مانند عجم و فرس، فلاسفه، ترک، هند، زردشت، ترسایان، مزدک و مانی و برخی از عقاید آنان اشاره کرده است، همچنان که در پایان کتابش به برخی از قیام‌ها و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی مانند برخی از پیامبران دروغین و قیام مختار اشاره کرده است.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۳۸۹ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. آقانوری، علی، «حدیث افتراق امت، نقلها و پیامدها»، مجله هفت آسمان، ش ۱۸، سال ۱۳۸۲.
۳. _____، «حدیث افتراق»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲.
۴. ابن حزم، محمد بن علی (۴۵۶ق)، *الفصل فی الملل والأهواء والنحل*، تحقیق محمدابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره، بیروت: دارالجیل، ۱۹۸۵م.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد (۲۴۱ق)، *مسند احمد*، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۳م.
۶. ابن وزیر، محمد بن ابراهیم (۷۷۵ق)، *العواصم والقواصم فی الذب عن سنته ابی القاسم*، تحقیق شعیب ارنؤوط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۹۹۴م.
۷. ابوالمعالی، محمد حسینی علوی (پس از ۴۸۵ق)، *بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی و محمدتقی دانش‌پژوه، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات روزبه، ۱۳۷۶.
۸. اشعری، سعد بن عبدالله (قرن سوم)، *المقالات والفرق*، تحقیق محمدجواد مشکور، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۹. اشعری، علی بن اسماعیل (۳۲۴ق)، *مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین*، تصحیح هلموت ریتر، آلمان: دارالنشر فرانز شتااینر، ۱۹۶۳م.
۱۰. امین، سیدحسن (۱۳۸۱ش)، *مستدرکات اعیان الشیعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۱۱. اورنگی، میثم، «وکاوی حدیث افتراق در اندیشه وهابیت»، مجله سراج منیر، ش ۲۷.
۱۲. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۴۲۹ق)، *الفرق بین الفرق*، تعلیق ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۴ق.
۱۳. بقایی‌یمین، محمد، «بررسی و نقد حدیث فرقه ناجیه»، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۴۰، سال ۱۳۹۴.

۱۴. حبیبی مظاهری، مسعود، «بوالمعالی، محمد»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۶.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، اثناعشریة، با تعلیق و اشراف سیدمهدی لazorودی حسینی و محمد درودی، قم: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۶. رازی، ابوحاتم احمد بن حمدان (۳۳۲ق)، الزینة، ترجمه علی آقانوری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲.
۱۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۴۷۹ق)، الملل والنحل، تخریج محمد فتح الله بدران، قم: منشورات الشریف الرضی، افست از قاهره: مکتبة الانجلو المصریة، بی تا.
۱۸. صابری، حسین، «حدیث فرقه ناجیه»، مجله مشکوه، ش ۷۹، سال ۱۳۸۲.
۱۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۳۸۱ق)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲.
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۳۶۰ق)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۶۰۶ق)، الشجرة المباركة فی انساب الطالبیة، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۲۲. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۳۶۳ق)، شرح الاخبار فی مناقب الائمة الاطهار، تحقیق سیدمحمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۳. قربانی، قدرت الله، «کثرت گرایي نجات و مشکل حدیث فرقه ناجیه»، مجله الهیات، ش ۱، سال اول، ۱۳۹۷.
۲۴. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد (۴۱۳ق)، أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، تحقیق ابراهیم انصاری زنجانی خوئینی، اول، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۵. _____، الإفصاح فی الإمامة، تحقیق مؤسسه البعثة، اول، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۶. _____، الفصول المختارة من العیون والمحاسن، اول، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۲۷. مناوی، محمد عبدالرؤف (۱۰۳۱ق)، *فیض القدير شرح الجامع الصغیر*، تصحیح احمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۷۲م.
۲۸. ناشیء اکبر، عبدالله بن محمد (۲۹۳ق)، *مسائل الامامة*، ترجمه علی‌رضا ایمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی (۴۵۰ق)، *رجال النجاشی*، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳۰. نوبختی، حسن بن موسی (۳۱۰ق)، *فرق الشیعة*، تحقیق سیدکاظم موسوی، کربلاء: العتبة الحسینیة المقدسة، ۱۴۳۹ق.